

بنام خداوند جهان آخرین
شاه همدان در آئینه مفکران تاجیکی و کشمیری

از سید سهراب

دانشجو دکتری

میر سید علی همدانی که در کشمیر با لقب های شاه همدان و امیر کبیر و باللقب بهای سپاه پوش و امیر جهان در تاجکستان (ختلان) موسوم اند شاه همدان در ۱۲ ماه رجب ۱۷۱۲ هجری قمری مطابق ۱۲۲۱، ۱۳۱۳ میلادی در شهر همدان در محله عالیله متولد شدند. نسب پدرش سید شهاب الدین همدانی به او واسطه به حضرت علی ابن ابیطالب می رسد و نسب مادرش فاطمه به او واسطه به پیغمبر حضرت محمد مصطفی و به او واسطه به حضرت علی می رسد. و شجره نسب در "خلاصه المناقب" که منظوری نوشته شده است سید علی بن سید شهاب الدین بن محمد بن علی بن یوسف بن محمد بن محمد بن جعفر بن عبداله بن محمد بن علی بن حسن بن حسین بن علی بن زین العابدین بن حسین بن علی - و شاه همدان ذادگارش خود را در یکی از رباعی های مشهور یاد می آورد -

پرسید عزیز می کر علی اهل کجایی
گفتم به ولایت علی کز همدانم
نی ز آن همدانم که ندانند علی را
من از آن همدانم که علی راهمه دانند

دوران کودکی قرآن مجید را حفظ کرده اند. و به علوم دیگر هم پرداختند. اول مرید شیخ ابوالبرکات نقی الدین علی دوستی شدند و بعد از وفات ایشان یا شیخ شرف الدین محمود مزدقانی رشته ارادت استوار کردند. ایشان شاه همدان را به سیر و سیاحت هدایت نمودند. در ۲۱ سالگی قدم در میدان نهادند. در یکی از مسافرتها شیخ ابوالسپاسم بن محمد بن محمد ابن اذکانی در (۶۲۹ - ۷۷۸ ه) ملاقات کرد و به هدایت شیخ موصوف فتوحات را قبول می نماید و به از دوان نام

۱- مجله دریا، چاپ در تاجکستان

را می‌شدند، میر سید علی همدانی که از فیض تعلیم و برکت آثار علماء و مشایخ آن دیار بهره‌مند می‌گشتند. می‌خواهم که اسم ایشان اینجا ثبت نمایم، سید علاء الدین همدانی که معلم خصوصی ایشان دعالم تقوی دارم صفی الدین اردبیلی پهلوان محمود، عادل و زهمنانی، محمود مزقانی علی دوستی، عبدالغفور بن محمد الدین اذکانی، نعمت اللهدولی، یکی آموغی، محمد اسفرانی و غیره۔

میر سید علی همدانی در سال ۷۷۱ هـ به قریه علی شاه ختلان وارد شدند و آنجا سه ماه مقیم بودند و به امیر تیمور ملاقات کردند و چنین اظهار نظر نمودند در مامورم که به کشمیر روم و اهل آن در یار رابه اسلام دلالت کنم و بعد از این شاید به اسلام مشرف گردند۔^۱

در عهد سلطان شهاب الدین میر سید علی همدانی اولین بار یعنی در ۷۷۳-۷۷۴ هـ مطابق ۱۳۷۲ء به کشمیر تشریف آوردند آن وقت شهاب الدین در (دی هند) مصروف جنگ بود و برادر خودش سلطان قطب الدین راجا نشین خود قرار گرفته بود۔ میر سید علی همدانی چهار ماه اینجا ماند و عازم حج شدند و بار دوم در عهد سلطان قطب الدین که در ۷۸۱ هـ مطابق (۱۳۷۹ء) با همراه هفت صد تن از سادات وارد کشمیر شدند و دیگر دو و نیم سال اینجا قیام فرمودند در سال ۷۸۳ هـ از جاده لداح به ترکستان رفتند۔ و بار سوم در ۷۸۵ هـ کشمیر تشریف آوردند چون اینجا مریض شدند و برای این باز گشتند^۲ سالهای آخر شاه همدان^۳ در کشمیر بسری بروز بقول جعفر بدخشی "ایشان در سال ۱۳۷۴ هـ تقسیم بازگشت گرفت و دوران سفر در پاغلی (پکھلی) بیمار شدند و در همان جا وفات کردند" یکی از دانشمندان ایرانی پرویز از کابی تذکر می‌دهد "که در ماه ذی القعد ۷۸۶ هـ حضرت امیر به نیت سفر جاز بیرون آمد و حدود (پاغلی) ملک خضر شاه رسیدند۔ از التماس خضر شاه چند روز در این دیار تشریف داشتند و مردم از عبادت، صبر، خلوص از همه موارد از ایشان استفاده کرده اند^۳۔ ماه ذی الحج که می‌رسد ایشان بیماری شدند و مرض ایشان پنج روز طول می‌کشد و در این پنج

۱- رساله دریا، مطبوعه شهر دوشنبه تاجکستان۔

۲- ذخیره الملوک تصنیف از میر سید علی همدانی، تالیف محمد ریاض قادری۔

۳- محمد ریاض قادری در ذخیره الملوک ثبت کرده اند که "وقتی شاه همدان در ۷۸۵ هـ بار سوم کشمیر تشریف آوردند ولی مریض می‌شوند از اینجا حرکت می‌کنند در راه ده روز در (پکھلی) (ضلع هزاره) از درخواست حاکم سلطان محمد قیامی فرمایند، کوخار (کافرستان) که می‌رسد ذی الحج ۷۸۶ هـ مطابق ۸۵-۱۲۸۲ء آنجا وفات کردند۔

روز پنج چیز از طعام تناول نمی فرمایند، شب چهارشنبه ۶ ماه ذی الحجه وقت نماز عشاء اصحاب را طلب می فرمایند و نصیحت کردند که "همیشه با حق باشید چند قطره آب می نوردند و بر زبان مبارکش این ورد جاری می شود یا اللہ یا حبیب تا نیم شب" و پس از آن از عالم فانی به فهای سربالی باقی رحلت نمودند۔ در واقعات کشمیر این قلمه از تاریخ وفات ایشان هست

رهبر عارفان شه همدان کز دمشق باغ معرفت بگلزار
عقل تاریخ سال رحلت او سید علی ثانی گفت

کرامات و رویتها در باره امیر کبیر شاه همدان

(۱) شعی در روایا میر سید علی همدانی خود را در خانقاه شیخ محمد اذکانی دید و در آن روایا شیخ محمد اذکانی سفیدی را هدیه میر سید علی همدانی کرد و بسیاری از اولیاء اللہ که آنجا بودند سید را تبریک و تهنیت می گفتند۔ سید علی همدانی تعبیر این رویا را فرزند تعبیر کرد۔ چون بعد از حکم آن بزرگوار در چهل سالگی متاهل شده بودند۔ خدای تعالی به ایشان فرزندی عطا کرد بنام محمد۔ سید علی همدانی علاوه بر ایشان یک دختر هم داشت که زوجه خواجه اسحاق بوده۔

(۲) مؤلف تذکره (مجالس العشاق) در باره سید علی همدانی می نویسد که به حسن ظاهری علاقه نداشته و به یکی از امراء عزیزان امیر تیمور به بنام امیر برلاس تعلق پیدا کرده بودند۔ چون امیر سید علی همدانی بان امیر ملاقات نمودند۔ امیر برلاس پرسید که چرا عمامه سیاه را به سرمی بندید؟ سید جواب داد چون نفس را کشته ام و مثل تو به ظاهرا شیاء علاقه ندارم غرض این قولی سید به تیمور گران آمد ولی بر اثر نفوذ سید علی نمی توانست او را چیزی بگوید۔

(۳) پادشاه کشمیر سلطان علاء الدین (۷۲۸-۷۵۵) در خواب دیده بود که آفتاب (خورشید) از جنوب طلوع کرده است و راهب تعبیر این خواب اینطور می کرد که شخصی از زمین ماوراء النهر می آید و همه مرا

مسلمان می سازد دوران اقامت در کشمیر ایشان با علماء و مسافران مذاہب دیگر کشمیر (ہندوہا و بدوہا) مناظرہای انجام می داد و ۳ ہزار تن بردست ایشان مسلمان شدند و اینطور ہی اسلام در خطہ کشمیر گسترش یافت۔

(۴) سلطان بھرام شاہ از مریدان و مخلص سید علی ہمدانی بود۔ شی این حاکم مشروب زیادی خورد و خیلی بدست شد و می خواست کسی را بہ قتل برساند در آن مستی بہ خواب رفت و شاہ ہمدان را در عالم رویا دید کہ بہ اومی گفتند:

”ای پادشاہ روز قیامت نزد خداوند متصل رسوائی شوی۔ شرمی نداری کہ اینطور ہی خواہی انجام بدی“ سلطان از این واقعہ سخت شرمندہ بہ حضور شاہ ہمدان رسید و از دست ایشان قسم خورده کہ دیگر از آن پس زندگانی را خدا ترسانہ می گزارد و دیگر مرحوم اورا شیخ سلطان می نامیدند۔ این پادشاہ حاکم بلخ و بدخشاں بود۔ وقتی حکومت بدخشاں از دستش رفتہ بود۔ شاہ ہمدان فرمودند ”خیلی زود حکومت بہ شیخ باز گردد“ و ہمین طور شد۔ این سلطان از دستورات شاہ ہمدان برای رفاء مردم خیلی کارہای مهم انجام داد۔ اور سالہ (واردات امیریہ) را خلاصہ و ورد کردہ بود۔

(۵) شاہ ہمدان برای کسب روزی بہ کلاہ بانی اشتغال می ورزید و می گویند کہ ایشان این کار را روی کرامت یاد گرفتہ بودند۔ روزی یک کلاہ بافتہ خود را بہ سلطان قطب الدین ہد یہ کرد و قطب الدین این کلاہ را زیر تاج خودی پوشید و جانشین او ہم این ہد یہ تبرک را نگاہ داشتند۔ زیاد از صد و چھل سال این کلاہ شاہ ہمدان بہ عنوان تبرک نگاہ داری کرد و زیر تاج پادشاہان پوشیدہ می شد۔ ولی ”سلطان فتح شاہ (۹۳۵ھ) وصیت کرد کہ این کلاہ را با نعش او دفن کنند و صیلہ میامین آن شد اید عالم برزخ و حشر بر روی آسمان گردد“ و این وصیت عملی گردید۔^۱

یکی از بزرگان بہ نام مولانا محمد آنی این عمل را برای سلطنت سلسلہ (شاہمیری) بہ فال بد تلقی کرد و گفت

۱- حیدر بخش در کتاب خودشان می نویسند این کتاب در اصل مجموعہ ملفوظات۔ سرچشمہ عرفان از محمد صدیق نیازمند۔

دولت و سلطنت از خاندان شمس الدین منتقل بہ سلسلہ دیگر شود و همان طور شد۔ ”می گوید بعد از دفن این کلاه شہاہ ہمدان سلسلہ شاہمیری را بہ انحطاط گردید“ و در سال ۹۶۲ھ ۳۷ سال بعد مردی بنام غازی چک بہ روی کار آمد و سلسلہ شاہمیری را خاتمہ داد و سلسلہ چک را تشکیل داد۔ شاہ ہمدان ہست) کہ حاکم بلخ در مقابل ہتکوئی سید ہمدانی^۱ اورا تحدیدی کرد و اسب ہای مین و فلزی را داغ می کرد و می گفت اگر از ہتکوئی باز نمایی و نسبت بہ تجملات و ربار من احترام نمی گزاری ترا بہ یکی از این اسب ہای آتشین می نشانم۔ سید ہمدانی^۲ با این تحدید ہا اعتنائی کرد و در نتیجہ روزی آن پادشاہ در حلقہ مریدان او در آمد کہ اسب ہای فلزی مذکور را ہر چند داغ می کردند آنہا در صورت کوزہ زہر سردی گشت و بادیدن این کرامات فوق العادہ۔ پادشاہ مذکور معذرت خواست و از کردہ خود نادام گردید“

(۶) شاہ ہمدان^۳ در ختلان روزی حضرت رسول اللہ^۴ را در عالم رویا زیارت کردہ و این بشارت را از زبان رسالت ماب شنیدہ کہ مزار ایشان همان جا خواهد بود۔ شاہ ہمدان^۵ چون بہ آن خطہ علاقہ خاصی داشتہ از آن بشارت خوشحال گردیدہ۔ زود دو رکعت نماز را بہ عنوان نفل گزارانندہ و این واقعہ را بہ مریدان ختلانی خود بیان نمودہ و در جواب پیرش آنان کہ وفاتش کی واقع می گردد: ”فرمودہ اند سہ سال و یک روز و یک شب“ بعد از این خبر مریدان ایشان زار زار گریستہ اند۔^۱

آثار امیر کبیر میر سید علی ہمدانی^۲

آثار میر سید علی ہمدانی^۳ اساساً نشریت و آنہا غالباً بہ زبان فارسی تاجیکی و قسمی عربی تالیف گشتہ اند۔ ولی تعداد صحیح از آثار شاہ ہمدان^۴ تحقیق طلب است۔ ولی اگر بہ طور مجموعی می گوئیم تعداد آثار سید ہمدانی^۵ بیشتر از صداست۔ مثلاً ڈاکٹر پروفیسور شمس الدین در کتاب خودشان بنام (شاہ ہمدان حیات اور کارنامہ) تعداد آثار شاہ

۱۔ رسالہ مستورات یا خلاصۃ المناقب از بدخشی۔

۲۔ دوقی این ۱۳۶ تالیفات را با دقت نگاہ می کنیم، بعضی از آنہا عنوان فرق می کنند ولی متن یکی است۔

ہمدان ۱۳۶۶ نوشتہ اند و فرمودند کہ بعضی از آنہا منسوب بہ شاہ ہمدان کردند مولانا جامی در نجات الانس تعداد تصانیف شاہ ہمدان فقط ۵ نوشتہ اند۔ امیر سلطان حسین در مجالس العشاق فقط اسم ۵ تالیف بردہ است۔ صاحب ہفتم اقلیم و صاحب روز روشن ۱۔ از آثار شاہ ہمدان اسمائے زیر نوشتہ اند۔ (۱) اسرار النقط (۲) شرح اسماء اللہ (۳) شرح فصوص الحکم (۴) شرح قصیدہ خمیریہ فارسیہ (۵) ذخیرۃ الملوک صوفی غلام محی الدین در تالیف انگلیسی خود بنام ”کثیر“ از آثار امیر کبیر اسمای ذیل بردہ است۔

(۱) ذخیرۃ الملوک (۲) رسالہ نوریہ (۳) رسالہ مکتوبات (۴) رسالہ در معرفت و صورت انسان (۵) در حقائق توبہ (۶) شرح فصوص الحکم (۷) شرح بر قصیدہ عمر ابن الفارض (۸) رسالۃ الاصطلاحات (۹) علم القیافہ (۱۰) دہ قاعدہ (۱۱) کتاب مودۃ فی القربی (۱۲) ہفتادہ فضائل امیر المومنین حضرت علی (۱۳) اربعین امیریہ (۱۴) روضۃ الفردوس (۱۵) شرح فردوس الاخبار از شجاع الدولہ شیرویہ (۱۶) منازل السالکین (۱۷) اوراد الفتحیہ (۱۸) خلاصۃ المناقب در ملفوظات شاہ ہمدان کہ مولانا نور الدین جعفر بدخشی مرید ایشان جمع آوری کردہ است و رسالہ منہاج العارفین۔^۲

سید علی ہمدانی، پیموں شاعر عارف نیز مشہور است۔ بہ قول دانشمند پاکستانی محمد ریاض ”طبع ایشان پرسوز و ذوق عالی بودہ۔ در اشعار خود قدرت و ابتکار خودش را آشکار نمودہ است و مانند شاعران عرفانی شعر ایشان دارای سوز و ساز خاصی است کہ بسی دلپذیر است“ از سید ہمدانی ۴۱ غزل ۹ رباعی و مثنوی (ہفت وادی) و (اختیارات امیریہ) باقی ماندہ است۔ و روایت است گویا سید ہمدانی این غزلہا را موفق در خواست اعراف مریدان و مخلصانش کہ ۳۰ نفر اغنیا و انفر بینوا بودند و سید ہمدانی با کرامات خاص شاعرانہ و عارفانہ سرودہ است۔ محض از ہمین جہت آنرا چھل اسرار نیز می گویند۔^۳

۱- ابن احمد رازی و محمد مظفر۔

۲- بحوالہ حیات اور کارنامہ شاہ ہمدان از ڈاکٹر شمس الدین۔

۳- گلشن راز شاہ ہمدان از محمد سلطانوف تاجیکی۔

استاد گرانقدر و رئیس دانشکده ادبیات فارسی آقای دکتر محمد منور مسعودی غزل‌های شاه‌همدان بنام "چهل اسرار" را تحقیق تدوین و ترجمه در زبان انگلیسی، اردو و کشمیری نموده‌اند. و کتابهای بسیار به موضوعات دیگر هم نوشته‌اند و همچنان استاد بزرگوار و رئیس کل دانشگاه علوم اجتماعی آقای دکتر محمد صدیق نیازمند که کتاب معروف بنام "سرچشمه عرفان" محفل در باره شاه‌همدان صحبت کرده‌اند و مخصوصاً در باره "اورادختیہ" که در زبان عربی است - من بایکی از غزل شاه‌همدان که از "چهل اسرار" هست - صحبت خود را پایان برسانم -

موضوع غزل (شوریدگان عشق)

بر جان مستمندان جانی ز غم نهند
 کز سوز آن دو عالم در حیرت او فزادند
 چون بر در جلالت عالم جوی نیرزد
 بر هر گدای مفلس این در چرا کشادند
 بوی ز زلف آن مه بگذشت بر دو عالم
 ذرات کون از آن بو مست می دادند
 چندین هزار بی دل بر بوی آن سعادت
 دلها نثار کردند جانها به باد دادند
 مستان حضرتش را آرامگه به شد
 با صد هزار محنت بایاد دوست شادند
 قومی که پی بزدند بوی ز خاک آن در
 و راه کشف و تحقیق آنها کم از جمادند
 چون دیده آن ندارد تاروی دوست بیند
 از مدد طبیعت گویا مگر نزانند
 سرگشتگان راهش بر نفس اگر سوارند
 هرگز عنان عصمت بردست او ندادند
 شوریدگان عشقش بر چار سوی غیرت
 پیوسته چون علایی با خویش در جهادند

پاورقیہما

- ۱- رسالہ دریا سردیرو و بنیاد گذار سعادت صفرا و اشہر دوشنبہ تاجکستان۔
- ۲- شاہد ان حیات اور کارنامہ از دکتہر پروفیسور شمس الدین احمد۔
- ۳- آن ہمدان مولد و ختلان وطن از ماہر خولجہ سلطانوف۔
- ۴- ذخیرۃ الملوک سید امیر کبیر تالیف محمد ریاض قادری۔
- ۵- شہر کولاب در عصر شانزدہم از غالب غائب کارمند (پڑھشگاہ آثار خطی فرہنگستان علوم تاجکستان)
- ۶- فکر و نظر از دکتہر محمد منور مسعودی۔
- ۷- گلشن راز شاہ ہمدان از محمد سلطانوف۔
- ۸- سرچشمہ عرفان از استاد دکتہر محمد صدیق نیازمند۔
- ۹- چھل اسرار مجموعہ غزلیات شاہ ہمدان از دکتہر محمد منور مسعودی۔
- ۱۰- شاہ ہمدان اور کشمیر از عبد الحمید اعظمی۔